



# همان آتش و همان کاسه

۵ تشکیلات قرآنی

۲ جناب رئیس پاسخ دهد

۷ تشکیلات، پسا کرونا

۴ بی خبری، خوش خبری است





● **فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، ادبی، صنف**

شماره بیستم، مرداد ۱۴۰۱

شماره مجوز: ۱۴۰۰۲۲۳۸

صاحب امتیاز: محمدرضا ابو

مدیر مسئول: محمدرضا ابو

سردبیران: سجاد دنیوی، فاطمه محمدرزاه

هیئت تحریریه:

سید علی موسوی، سجاد دنیوی، محمدرضا ابو، محمدجواد کیشیافان، محمدصادق اکبری، امیرعلی وطن دوست، میلاد رضایی، مهدی طالبی، محمدامین ناصری فرد، رضا اسدی، سمیرا نوبخت، فاطمه محمدرزاده، فاطمه جامعی، ریحانه طالبی، معصومه سیستانی، زهرا دلیر، سمانه

مومنی، محدثه مسکی، زینب کرمانی

صفحه‌آرا: امیرحسین پنجه‌باشی

تلاگرام و اینستاگرام:

meidaneolum

سامانه سند:

sanad.um.ac/meidaneolum

بی صبرانه منتظر انتقادات و پیشنهادات شما دانشجویان هستیم!

اینجا خانه شماست!

شماره بیستم، مرداد ۱۴۰۱

شماره مجوز: ۱۴۰۰۲۲۳۸

صاحب امتیاز: محمدرضا ابو

مدیر مسئول: محمدرضا ابو

سردبیران: سجاد دنیوی، فاطمه محمدرزاه

هیئت تحریریه:

سید علی موسوی، سجاد دنیوی، محمدرضا ابو، محمدجواد کیشیافان، محمدصادق اکبری، امیرعلی وطن دوست، میلاد رضایی، مهدی طالبی، محمدامین ناصری فرد، رضا اسدی، سمیرا نوبخت، فاطمه محمدرزاده، فاطمه جامعی، ریحانه طالبی، معصومه سیستانی، زهرا دلیر، سمانه

مومنی، محدثه مسکی، زینب کرمانی

صفحه‌آرا: امیرحسین پنجه‌باشی

تلاگرام و اینستاگرام:

meidaneolum

سامانه سند:

sanad.um.ac/meidaneolum

بی صبرانه منتظر انتقادات و پیشنهادات شما دانشجویان هستیم!

اینجا خانه شماست!

شماره بیستم، مرداد ۱۴۰۱

شماره مجوز: ۱۴۰۰۲۲۳۸

صاحب امتیاز: محمدرضا ابو

مدیر مسئول: محمدرضا ابو

سردبیران: سجاد دنیوی، فاطمه محمدرزاه

هیئت تحریریه:

سید علی موسوی، سجاد دنیوی، محمدرضا ابو، محمدجواد کیشیافان، محمدصادق اکبری، امیرعلی وطن دوست، میلاد رضایی، مهدی طالبی، محمدامین ناصری فرد، رضا اسدی، سمیرا نوبخت، فاطمه محمدرزاده، فاطمه جامعی، ریحانه طالبی، معصومه سیستانی، زهرا دلیر، سمانه

مومنی، محدثه مسکی، زینب کرمانی

صفحه‌آرا: امیرحسین پنجه‌باشی

● **نشریه میدان علوم**

شماره بیستم، مرداد ۱۴۰۱

شماره مجوز: ۱۴۰۰۲۲۳۸

صاحب امتیاز: محمدرضا ابو

مدیر مسئول: محمدرضا ابو

سردبیران: سجاد دنیوی، فاطمه محمدرزاه

هیئت تحریریه:

سید علی موسوی، سجاد دنیوی، محمدرضا ابو، محمدجواد کیشیافان، محمدصادق اکبری، امیرعلی وطن دوست، میلاد رضایی، مهدی طالبی، محمدامین ناصری فرد، رضا اسدی، سمیرا نوبخت، فاطمه محمدرزاده، فاطمه جامعی، ریحانه طالبی، معصومه سیستانی، زهرا دلیر، سمانه

مومنی، محدثه مسکی، زینب کرمانی
صفحه‌آرا: امیرحسین پنجه‌باشی
تلاگرام و اینستاگرام:
meidaneolum
سامانه سند:
sanad.um.ac/meidaneolum
بی صبرانه منتظر انتقادات و پیشنهادات شما دانشجویان هستیم!
اینجا خانه شماست!

شماره بیستم، مرداد ۱۴۰۱

امروزه در دنیای ارتباطات، تعاریف متعدد و هرکدام با جهان‌بین خاصی برای تجسم معنای روابط‌عمومی قابل ذکر است. برخی آن را هنر برقراری ارتباط در جهت اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به مخاطبان و همچنین زمینه سازی برای دریافت انتظارات و خواسته‌های آنان می‌دانند و در تعریف جامع تر، آن را به مثابه پلی مابین سازمان و مخاطب می‌دانند. جایگاه بسیار مهمی که نبود آن را نمی‌توان تحمل و درک کرد؛ چرا که همچون انسانی است که خود را درون یک اتاق محبوس کرده و تمامی وسایل ارتباطی را از خود محروم کرده باشد.

تقلیل مقام روابط‌عمومی به ادمین و مدیر صفحات مجازی یا صرفا یک سخنگوی ساده، همانقدر جفا است که قهرمان جام جهانی فوتبال را با قهرمان لیگ محلات شهر خودمان در یک سطح بدانیم!!!

با همه گیری ویروس کرونا در این دو سال و نیم گذشته، بیش از پیش بر اهمیت این پل «روابط‌عمومی»افزوده شده و در نگاه عموم نیز توانسته است نقش پررنگ و مهم خویش را نمایان کند.خصوصا در برخی از سازمان‌هایی که جامعه مخاطب گسترده ای را پوشش داده و ارتباط به هم پیوسته ای با مخاطبین خود دارند. به طور ویژه جامعه آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور.

آن زمانی که این مهمان ناخوانده با ورود ناگهانی خود باعث تعطیلی مراکز علمی آموزشی کشور شده است، عنصر مهمی که باید به وسط گود ماجرا بیاید و با اطلاع‌رسانی دقیق و به هنگام خود نگرانی و سردرگمی دانش آموزان و دانشجویان را به حداقل ممکن برساند، همان «پل رابط» یعنی روابط «عمومی».

اسفند ماه ۹۸ همزمان با شیوع گسترده ویروس کرونا و تعطیلی آموزش حضوری دانشگاه فردوسی مشهد، مولفه تاثیرگذاری که فقدان حضور آن در بطن ماجرا همانند تکه گمشده یک پازل خودنمایی می‌کرد چیزی نبود.جز وجود یک روابط‌عمومی پاسخگو. تا دانشجویان را از سیل سوالات و نگرانی‌ها نجات دهد و یاری کننده باشد. پل رابطی که خود دچار بحران شده است و گویی تاکنون برای یک‌بارهم که شده وظایف خویش را مرور نکرده و از جایگاه و نقش مهم خود در وهله کنونی بی‌خبر است.

ماجرا زمانی جالب تر می‌شود که این «پل رابط» مخاطبین اصلی خود یعنی دانشجو را غریبه می‌داند و به جای صحبت رو در رو و همنشینی با آنان، با خبرگزاری و روزنامه خاصی مصاحبه می‌کند و حال این دانشجو بی چاره است که باید داده و اطلاعات را از طریق آن منابع بدست آورد. گویا به جای آنکه روابط‌عمومی با استفاده از ابزارهای مختلف و گفتگو مستقیم با دانشجویان، پیام خود را به دست آنان برساند و آگاهشان کند، اما این دانشجو غریب است که باید در به در دنبال او باشد و از این خبرگزاری به آن خبرگزاری و از این سایت به آن سایت برود.

با گذر از تمامی این مصائب و عبور از فجایع اطلاع‌رسانی در آموزش مجازی سال‌های تحصیلی ۹۹ و ۱۴۰۰، همزمان با تغییر مدیریت اجرایی کشور و به دنبال آن تغییر هیئت‌مدیره دانشگاه، کور سوی امیدی برای تغییر رویکرد جایگاه روابط‌عمومی دانشگاه فردوسی مشهد در ذهنمان ایجاد شد و انتظار تغییر و تحولی در ارتباط با دانشجویان داشتیم. تغییرات ابتدایی در این معاونت و نحوه تعامل با دانشجویان، نشان از تغییر رویکرد روابط‌عمومی و محرم دانستن دانشجو در اطلاع از امور دانشگاه داشته است.رفته رفته امیدمان نسبت به این «پل رابط» افزایش پیدا می‌کرد تا آنکه به اواخر تعطیلات نوروز ۱۴۰۱ نزدیک شده‌ایم.

خبری ناگهانی که دانشجویان را دوباره در بهت فرو برده است. بازگشایی کامل دانشگاه پس از تعطیلات نوروز و از سرگیری آموزش حضوری.ناگهانی و بهت آفرین! نه به خاطر حضوری شدن دانشگاه بلکه تنها چند روز دیگر تعطیلات تمام می‌شود و نه دانشجویان بومی آمادگی کامل حضور در کلاس‌ها را دارند و نه دانشجویان غیر بومی آن سر کشور!

مسئول روابط‌عمومی دانشگاه به دعوت از رسانه دانشجویی از من بپرس در یک گفتگوی مجازی با دانشجویان حاضر می‌شود؛ اما در آن مصاحبه نیز جز سردرگمی و گیجی بیشتر، چیزی نصیب دانشجو نمی‌شود و همانند یک توپ فوتبال به سمت اطلاعیه دانشکده پاسکاری می‌شود.اینکه مسئول جدید حاضر است با دانشجو گفتگو و تعامل کند، خود جای بسی امید است؛ اما وقتی به جای حل بحران، خود بحران آفرین شود و سردرگمی را بیشتر کند، نشان از عدم بهره مندی از مهارت‌های لازم جایگاه روابط‌عمومی دارد.

با عبور از فاجعه اطلاع‌رسانی نحوه حضوری شدن آموزش و بازگشایی دانشگاه، به شیوه اطلاع‌رسانی ترم تابستان می‌رسیم.خبری که ابتدا از عدم برگزاری ترم تابستان در دانشگاه فردوسی مشهد می‌گوید و بعد از چند هفته خبر دیگری با ۱۸۰ درجه تناقض، از برگزار شدن ترم تابستان در دانشگاه فردوسی مشهد می‌گوید. قطع به یقین برخی از تصمیمات عجولانه و بدون پشتوانه مسئولین دانشگاه بر عملکرد روابط‌عمومی تاثیر بسزایی دارد و از آن غافل نیستیم؛ اما آنکه روابط‌عمومی خود در مدیریت بحران دچار چالش شود و به جای پاسخگویی به ابهامات بر افزایش آنان قدم بردارد، نشان از عدم درک و آگاهی از جایگاه مهم آن و وظایف تبیین شده دارد.

امیدمان بر آن است تا از تجربه تلخ کسانی که به جای پاسخگو بودن در برابر دانشجو که از وظایف مسلم (روابط‌عمومی) است، آنان را بلاک می‌کردند استفاده کرده و بر تعامل و همکاری بیش از پیش با دانشجویان گام برداشته و آنان را محرم خود بدانید و هرکجا که دچار بحران شدید، صادقانه جلو آمده و از توانمندی و ظرفیت‌های گسترده دانشجویان یاری جویند و از آنان دوری نکنید. چرا که از شهید گرانبقدر چمران پرسیدند تخصص بهتر است یا تعهد؟ ایشان فرمودند: می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است. آن را می‌پذیرم اما می‌گویم «آن کس که تخصص ندارد و مسئولیتی را می‌پذیرد بی‌تقوا است.»

«محمدرضا ابو

کارشناسی آمار ۹۷

## چالشی به نام روابط عمومی!!!



## بی خبری خوش خبری است...

به نام خدا

بی خبری، خوش خبری است...

در نكوهش اقدامات نستنجیده و ناگهانی مسئولین دانشگاه فردوسی مشهد در قضیه از سرگیری آموزش حضوری

اواخر روز سه‌شنبه بود؛ نهم فروردین ماه سال یک هزار و چهار و صد و یک هجری شمسی. چند روزی می‌شد که از تعطیلاتی با حضور خیلی کم‌رنگ کرونا، آن هم پس از حدود دو سال، دچار سرخوشی شده بودیم که خبری ناگهانی ما را بُهت‌زده کرد. خبر این بود: «به اطلاع می‌رساند کلیه فعالیت‌های دانشگاه فردوسی مشهد از تاریخ ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ به صورت حضوری انجام خواهد شد.» شاید شما هم تا قبل از این خبر هیچ وقت فکر نمی‌کردید دانشگاه دست به چنین اقدام انتحاری مانندی بزند و در جمع‌های خانوادگی ابراز می‌داشتید که از آموزش مجازی صرف خسته شدید و حداقل بخشی از آموزش‌ها یا حتی همه آنها حضوری شود ولی بعد از شنیدن این خبر با خود گفتید بی‌خبری، خوش خبری است.

به هیچ وجه قابل باور نبود. این خبر به مانند انفجار بزرگی (Big Bang)، کهکشانشان‌های سوال را در پی خود ایجاد کرد؛ چند دُز واکسن؟ خوابگاه؟ هم‌زمانی با ماه رمضان؟ نگرانی از وقوع پیک احتمالی کرونا بعد از مسافرت‌های نوروزی و بسیار سوال دیگر که تنها پیام آن این بود که نمود خارجی دانشگاه فردوسی در این مورد، به طرز فاجعه‌باری بی‌انضاطی و بی‌نظمی است.

در این بحران بدخبری، گفتگوهایی آن هم به خواسته دانشجویان و توسط خودشان و نه از طرف مسئولین و توسط ایشان، به جهت دست یافتن به پاسخ و اطلاعات شفاف شکل گرفت که نشان می‌داد مسئولین دانشگاه نیز سردرگم هستند و هر چه بیشتر به چهاردهم فروردین نزدیک‌تر می‌شدیم، بی‌ضابطه بودن دانشگاه علنی‌تر می‌شد. اطلاعاتی‌های دانشگاه هم غالباً اگر دردی اضافه نمی‌کرد، دردی را نیز دوا نمی‌کرد.

در واقع، ما در حقیقت و زمانی گرفتار شده بودیم که خالی از واقع‌بینی بود؛ لزوم آموزش حضوری، ما که تا دیروز از شرایط آموزش مجازی

ناراضی بودیم، در وضعی قرار گرفته بودیم که به همان آموزش مجازی راضی شده بودیم؛ حتی برخی از اساتید نیز به این امر اذعان داشتند. بالاخره هرچه نباشد، اگر دردسرهای آموزش مجازی را بد فرض کنیم، سردرگمی‌های این اتفاق و آن هم به این شکل اجراء، بدتر بوده، هست و خواهد بود و بین بد و بدتر، همیشه بد خوب است.

و اما، چهاردهم فروردین رسید؛ در کانال خبری دانشگاه پر بود از عکس‌هایی با مضمون آغاز کلاس‌های حضوری در دانشگاه فردوسی؛ عکس‌هایی از کلاس‌های تقریباً خالی. و این چنین شد که اطلاعیه‌هایی که یکی پس از دیگری منتشر می‌شد، رفته رفته به عنصر واقع‌بینی مزین شد و دانشجو نیز کم کم به سمت خارج شدن از این کلاف سردرگمی رفت. مضمون اطلاعیه‌ها خبر از مرحله‌بندی حضوری شدن کلاس‌ها می‌داد؛ ابتدا مقاطع تحصیلات تکمیلی و دکتری و پس از آن در طی چند مرحله که دانشجویان خوابگاهی کارشناسی در خوابگاه‌ها مستقر می‌شوند، دانشجویان کارشناسی هم روند آموزش حضوری را از سر بگیرند. اتفاقی که ای کاش از همان اول به آن فکر می‌شد.

از دانشگاهی که غالب اساتید آن برای موضوعات پایان‌نامه‌ها و مقالات، به شکل سخت‌گیرانه‌ای اصرار به حرکت در مرزهای دانش را دارند انتظار می‌رود مواجهه علمی‌تری با موضوعات مختلف و علی‌الخصوص این اتفاق داشته باشد و اصول مشارکت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا را در این امر دخیل کند. شاید بخواهید بگویید که با توجه به الزامی که از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه شده، طبیعی است دانشگاه این چنین بی‌محابا به دل معرکه بزند و تقصیر چندانی در نتیجه پیش‌آمده ندارد. ولی خوب است به یاد داشته باشیم که بحث الزام آموزش حضوری مربوط به تنها چند روز قبل از آن خبر ناگهانی دانشگاه نیست و تصمیمی بوده که از اوایل بهمن‌ماه ۱۴۰۰ اتخاذ شده و این وسط احتمالاً قصوری رخ داده که ظاهراً بر گردن مسئولین دانشگاه است. تمام این فرایندها بی‌نظم و ضابطه که در آن یکی دو ماه شاهد بودیم را می‌شد در ماه‌های قبل از عید کاملاً منظم و با ضابطه انجام داد تا هم شیرینی از سرگیری آموزش حضوری به تلخی تغییر نیابد و هم نقطه مثبتی در کارنامه مسئولین دانشگاه باشد. در آن فرصت دو ماهه که پشت گوش انداخته شد، می‌شد از پتانسیل فکری و اجرایی تشکل‌های دانشجویی استفاده کرد (هر چند که الان نیز برخی از

تشکل‌های دانشجویی به صورت خودجوش به کمک دانشگاه آمدند)، زیرا که تشکل‌های دانشجویی در بطن جامعه هدف که دانشجویان باشند هستند و از کم و کیف کار خبر دارند و در صورت بروز مشکل، به سرعت در پی رفع آن اقدام خواهند کرد. و اما، حالا که این اتفاق با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش گذشت و مسئولین دانشگاه با اضافه کردن چاشنی واقع‌بینی به غالب تصمیمات و اقدامات خود در زمینه از سرگیری آموزش حضوری، سعی بر رغم زدن پایانی خوش بر آموزش صرفاً مجازی دارند، چه خوب است که امیدوار باشیم به همت مسئولین دانشگاه و کمک و همفکری ما دانشجویان، دیگر در دانشگاه فردوسی بی‌خبری، خوش خبری نباشد...

« رضا اسدی

**جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گرایش مدیریت توسعه پایدار روستا**

## فکر از ما

# تشکیلات

مسئله

و تشکیلات

و فعالیت

جمعی آنچنان

در اسلام اهمیت

دارد که حجم

زیادی از اعمال و

عبادات دینی از قبیل

نمازجماعت، اعتکاف و...

به صورت گروهی تعریف

شده‌اند.

تشکیلات به معنی متصل و

همانگ کار کردن است. بدون راه

اندازی یک سیستم و یک تشکیلات

قطعا نمی‌توان به خوبی یک حرکت را

مدیریت کرد. مقام معظم رهبری جمله‌ای

دارند که می‌فرمایند: هیچ کاری در دنیا بدون

تشکیلات پیش نمی‌رود. انقلاب اسلامی ایران

هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد.

تشکیلات آنچنان حائز اهمیت است که امام زمان

(عج) در حدیث معروفی حتی ظهور را هم وابسته به

آن می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر شیعیان ما جمع شوند و

به عهدی که ما به گردن آن‌ها داریم وفا کنند، مژدهٔ

ملاقات ما به تأخیر نخواهد افتاد و به سرعت سعادت

مشاهدهٔ ما نصیب‌شان می‌شود.»

خب حالا این سوال پیش می‌آید که ما انسان‌های

خوب و صالح زیادی داریم، که در مسائلی مانند جنگ با

داعش، آتش سوزی ساختمان پلاسکو و... خودشان را به

خوبی نشان دادند. ایضا تشکیلات زیادی در محیط‌های

دانشجویی، روحانیت، شهری و... پس چرا هنوز به وعده

شیرینی که امام عصر در این حدیث داده‌اند نرسیدیم

و مسئله ظهور که درک آن آرزوی همه پیشینیان بوده

است رخ نداده است؟ برای پاسخ به این سوال نیاز به

ریشه یابی داریم تا ببینیم که تشکیلات از نظر دینی

چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و تشکلات ما در کدام

مورد ان لنگ می‌زنند تا برای رفع آن بکوشیم.

اصل اول: از نگاه شهید بهشتی تشکیلات می‌بایست «معبد»

باشد؛ اما مهم‌ترین آفت تشکیلاتی این است که این معبد

گاه‌ها ممکن است تبدیل به معبود گردد. به بیان ساده‌تر

تشکیلات ایجاد می‌شود که ما به یک هدف معین

برسیم (در تشکیلات حزب الهی این هدف معمولاً کسب

رضایت خداوند و رشد معنوی افراد است) اما بعضاً نیروی

انسانی و اعضای تشکیلات آنچنان غرق در کار می‌شوند

که بر حال و وضع معنوی خود غفلت می‌ورزند؛ به

این ترتیب با دور شدن از فضای خودسازی تلاش خود را

نیز ذایل می‌سازند. ممکن است آن فعالیت کمیت بالا و

فراوانی هم داشته باشد اما وقتی به خود نگاه می‌کنیم

می‌بینیم کیفیت اولیه را ندارد و دیگر نیتمان خالصانه

نیست. تشکیلاتی که خود معبود شود حکم طاغوت را

خواهد داشت و به جای اینکه "انسان ساز" باشد، انسان

سوز خواهد شد! هر تشکلی، با هر نام و هر سابقه از این

آسیب مصون نیست و هیچ تشکیلاتی نمی‌تواند ادعا کند



تضمین

نماید که از این

آفت در امان خواهد

ماند. بنابراین لازم است که

مسئولین تشکلات به این مهم

در بین اعضا توجه نمایند و برای آن

برنامه ریزی داشته باشند.

اصل دوم: روح و جان تشکیلات ولایتی، "ولایت"

است و اساسی‌تر از این اصل شاید نتوان چیزی

پیدا کرد. در این تشکیلات مدیر باید مربی هم باشد تا

بتواند کار انسان‌سازی را، که هدف اصلی تشکیلات است،

انجام دهد. «ولایت» تشکیلات، پشتوانه و مرجعی برای حل

اختلافات و نقطه ایجاد توافق اعضا است. ولایت تشکیلات

عمدتاً دو وظیفه اصلی برعهده دارد که عبارتند از: ۱-

شناسایی و شکوفایی استعدادها ۲- راهنمایی و جهت دهی

به استعدادها. او نباید اجازه دهد که مسائل ظاهری و

اختلافات شخصی باعث دور شدن افراد از تشکیلات شود.

و در عین حال اعضای تشکیلات نیز باید از او تبعیت

داشته باشند زیرا اگر اسیر هواخواهی شوند و احساس بی

نیازی به تشکل پیدا کنند معایبش این است که روح کار

جمعی را درک نکرده‌اند؛ استعدادهایشان هرز می‌رود و اگر

هم فعالیتی داشته باشند نتیجه آن یا لهو است و یا لغو.

اصل سوم: اعضای تشکیلات ولایتی باید به هم پیوسته

باشند. این پیوستگی باید هم از بالا به پایین باشد و

هم از پایین به بالا. هم مسئول تشکل باید به نقدها

و دغدغه‌های دلسوزانه فعالین تشکل گوش فرا دهد و

هم اعضای تشکل باید این را بپذیرند که مسئول تشکل

است که پس از شنیدن نظرات همه حرف آخر و نهایی

را می‌زند و باید آن را بپذیرند. به قول استادی: «افراد

یک تشکیلات باید یاد بگیرند نوکری همدیگر را بکنند

و اگر کسی می‌خواهد نوکر و سرپاز مهدی (عج) باشد،

اول باید نوکری و سرپازی نوکران و سرپازان امام زمان را

یاد بگیرد.» عضو تشکیلات باید بداند اگر به موفقیتی

هم رسیده و استعدادش شکوفا شده حاصل فرصت دادن

تشکیلات بوده است، تا سرانجام موفق شود. بنابراین باید

بداند طغیان و کینه نسبت به عضو دیگر برای او عزت

آفرین نیست.

اصل چهارم: شکل مهندسی نظام ولایتی دایره شکل

است که مرکز آن «ولایت» است و افراد و اعضای آن،

نقاط تشکیل دهنده این دایره. لذا کار هر نفر، مرتبط با

فعالیت فرد دیگر است. افراد نباید به پنهانه مسئولیت و

مشغولیت خودشان به کار سایر اعضای تشکیلات بی‌توجه

باشند و در آن همفکری و مشارکت نداشته باشند که اگر

اینطور شد دیگر اسم آن مجموعه تشکیلات نمی‌شود؛

زیرا هر کسی دارد کار خود را می‌کند.

اصل پنجم: یکی از اصول اصلی تشکیلاتی هم‌افزایی و تعامل

با دیگر تشکیلات همسو و هم هدف می‌باشد. اما متأسفانه

هیئات، مساجد و تشکل‌های فرهنگی زیادی را می‌توان

یافت که از این ارتباط خودداری می‌کنند؛ چه برسد به

این

که

بخواهند در

زیر ببرد مجموعه

منسجم‌تری فعالیت

کنند. نقطه وحشتناک‌تر این

ماجرا این است که برخی از تشکلات

خودشان دچار اختلاف درونی می‌شوند و

این اختلاف منجر به انشقاق آن‌ها از یکدیگر و

راه‌اندازی تشکل‌های موازی می‌شود. این برای یک

تشکل فرهنگی، که یکی از اهداف اصلیش جذب و

رشد سایر افراد می‌باشد، ضعف بسیار بزرگی است

که افراد خودشان را نتوانند نگهدارد یا افراد خودشان

از مجموعه جدا شوند. وقتی هدف یکی است این

اتفاقات نباید پیش بیاید اگر در انسان‌ها طمع،

آزمنندی و رذیله‌های اخلاقی اینچنینی وجود نداشته

باشد. پس صرف راه‌اندازی یک تشکل بزرگ و پر

طمطراق قابل افتخار نیست، بلکه تشکل خود را در

مقیاسی وسیع‌تر و درگستره‌ی تشکیلات جهه‌ی

حق دیدن و هم‌افزایی با دیگر تشکل‌ها امری قابل

تقدیر است.

مواردی که به تفضیل عرض شد برخی از معضلات

اصلی‌تر بود که تشکل‌ها به آن‌ها دچار می‌شوند و

برخی معضلات دیگر از قبیل دچار روزمرگی شدن،

توجه به امکانات، محدود در نظر گرفتن فعالیت و

... نیز ممکن است برای تشکیلات پیش بیاید که

باید از آن‌ها پرهیز کرد. به امید روزی که هم افراد

زندگی دینی را صرفاً دینداری فردی در نظر بگیرند

و رو به اجتماع و تشکیلات بیاورند و هم تشکلات

این معضلات را از خود دور کنند و همگی همدلانه

با همدیگر کار کنند و تأثیر مثبت داشته باشند که

اگر این چنین شد، هم می‌توان یک نمونه موفق از

زندگی اسلامی را به جهانیان ارائه کرد و هم با آماده

سازی افراد ظهور حضرت حجت را رقم زد ان‌شاءالله.

«سید محمدجواد کیشبافان

کامپیوتر ۹۶



## سال "تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین" مبارک!! :

سلام؛ همچنان که در سال "تولید" گذشته درباره مسائل و مشکلات و ملزومات و معضلات و مهمات دانشگاه و صنعت و ارتباط این دو با هم صحبت کردیم، در سال "تولید" جدید، که تأکیدی مضاعف بر این مسئله دارد، باز هم در این باره گفتگو خواهیم کرد. در همین ابتدا باید بگویم شما عزیزان می‌توانید از طریق درگاه‌هایی که در انتهای این نشریه آورده‌ایم، با ما در ارتباط باشید و نظرات خود را برای ما ارسال کنید.

اینگونه بنظر می‌رسد که راهی که برای حل مشکلات اقتصادی کشور توسط متخصصین امر تدارک دیده شده است، از مسیر تولید می‌گذرد. اما هر تولید، وجوه مختلفی دارد. می‌توان تولید را در مبدأ و منشأ آن دنبال کرد و می‌توان اثرات آنرا بررسی نمود. اگر به ابتدای تولید نگاهی بیندازیم، اساسا کالایی که تولید می‌شود می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد؛ کالای مصرفی، کالای بادوام، کالای بهداشتی، کالای زینتی و... اما ارتباط انواع این کالاها با دانشگاه، دانش بنیان بودن این کالاهاست. لازمه‌ی دانش بنیان بودن یک کالا، دانش داشتن سازنده است و دانش در جامعه امروزی، در دانشگاه‌ها بدست می‌آید. (اگر اینگونه نیست، وظیفه ما دانشجویان است که این امر را در دانشگاه‌های محقق سازیم!)

در این شماره قدمتان نیست بحث‌های تئوری و اساسی را مطرح کنیم و بیشتر به مسائل عملی و راهبردها و راهکارها خواهیم پرداخت؛ امیدواریم بتوانیم نقشه راهی کلی و مناسبی را برای شما تصویر کنیم. قطعا شخصی سازی و تکمیل این مباحث توسط خواننده، می‌تواند آنرا پر بارتر کند. حال که شعار سال هم به مسئله دانش تأکید دارد، بنظر می‌رسد بار دیگر رهبر معظم انقلاب بر طبق فرمایشات اخیرشان، همه‌ی راه‌حل را در مسئولین ندیده‌اند و قسمت مهم و بیش از نصف آنرا به جوانان در دانشگاه‌ها سپرده‌اند. با توجه به تجربه‌های سال‌های گذشته، لازمه نگه داشتن صندلی، عمل به شعار سال است؛ پس بهترین زمان است تا از این تلاش مسئولین برای عمل به شعار سال، نهایت استفاده را داشته باشیم. قطعا همه ما منظور از محصول دانش بنیان را می‌دانیم و لازم نیست این مسائل را توضیح دهیم. نکته‌ای که موجود است، شرح مسیر استفاده از فرصت

پیش روست.

مهم‌ترین ویژگی برای تولید یک محصول خوب و کاربردی که بتواند در بازار سرانجام خوبی را داشته باشد، رفع نیاز آن محصول است. به این معنا که هر چه نیازی که محصول ما آنرا رفع می‌کند اساسی تر باشد، آن محصول با اقبال بیشتری روبرو خواهد شد. پس اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم، شناخت و شناسایی نیاز موجود است.

قدم دوم، یافتن مشکل و آماده شدن برای حل آن است. در بسیاری از اوقات، ما می‌دانیم مشکل چیست، اما تلاشی برای یافتن راه حل انجام نمی‌دهیم. در حقیقت یافتن و طراحی راه‌حل عملی، خود نیمی از حل مسئله است. یکی از نیازهای ما برای این مهم، داشتن دانش فنی مناسب و نیز احاطه مناسب بر محصولات مشابه و با محصولاتی که در برخی دیگر کشورها، دقیقا و یا با شباهت خوبی، این مشکل را حل می‌کنند می‌باشد. دانش فنی که در دست ماست؛ اساتید، کتب، محتواهای آموزشی و... از ابزار ما برای کسب دانش مناسب است. در بخش دوم نیز، به روز بودن دانشجو و دانش پژوه و نیز ارتباط با اساتید مجرب، مهم‌ترین عوامل جهت احاطه به راه حل‌های مختلف موجود هستند.

در قدم سوم، ما باید راه حل خود را آزمایش کنیم. در مسیر تولید یک محصول دانش بنیان، سخت‌ترین مرحله، مرحله آزمایش ایده است. بزرگترین خطر در این مرحله، این است که امکان آن وجود دارد که ما به نتیجه‌ای برای ساخت محصول نرسیم. همچنین این مرحله و مشکلاتش، هزینه‌هایی را نیز در بر خواهد داشت. طبق بررسی‌ها به‌نظر می‌رسد می‌توانیم برای این مرحله و تأمین هزینه‌ها و امکانات، از بنگاه‌های بزرگ مالی-اقتصادی کشور مثل دولت، دانشگاه‌ها، موسسات خصوصی و خصولتی و سرمایه گذاران بزرگ استفاده کنیم. مهمترین عامل در تسریع انجام فرآیند این مرحله و نیز کمک به اقتصادی‌تر تمام شدن آن، انجام مناسب مرحله دوم و دقت در نتایج حاصل از پیش‌بینی‌ها و شبیه‌سازی‌های انجام شده است. قطعا با توجه به نوع پروژه و نوع محصول، این مرحله می‌تواند برای محصولات مختلف، مشکلات و هزینه‌های متفاوتی را داشته باشد.

مرحله چهارم، ساخت محصولی است که در مرحله تست، به نمونه اولیه یا mvp آن رسیده‌ایم. (می‌توانید ویژگی‌های محصول اولیه یا mvp و نکات پیرامون آنرا در اینترنت بیابید) اگر توجیحات فنی را کنار بگذاریم، یافتن سرمایه گذار، نیمی از ساخت محصول است. کار در این

مرحله به نسبت مرحله قبل ساده‌تر است. زیرا با تهیه یک طرح مناسب و آماده‌سازی و ارائه خوب، می‌توانیم سرمایه‌گذاران مختلف را مجذوب محصول خود کنیم و آنها را قانع کنیم که می‌توانند با اطمینان برای ساخت این محصول سرمایه‌گذاری و در پایان از نظر اقتصادی سود مطلوبی نیز کسب کنند. مسائل مربوط به فن‌بیان و آماده‌سازی ارائه (پرزنتیشن) و... نکات بسیاری دارند که در موضوع بحث ما نیست.

اگر شما بر روی مباحث علوم انسانی مسلط باشید، از مراحل اولیه به خوبی گذر کرده‌اید و شناسایی خوبی داشته‌اید؛ اگر بر روی مسائل فنی نیز مسلط باشید، از مشکلات مراحل دوم تا چهارم نیز جان سالم به در برده‌اید! در مرحله آخر با غول اشتغال‌زایی و تولید، یعنی فروش روبرو هستیم. ما باید بدانیم که اگر بهترین محصول دنیا را نیز در اختیار داشته باشیم و نتوانیم آنرا به فروش برسانیم، تقریبا می‌توانیم بگویم کاری نکرده‌ایم و دردی را دوا نکرده‌ایم. در اصل با تحقق این مرحله است که یک کسب و کار دوام پیدا می‌کند و منجر به اشتغال آفرینی پایدار می‌شود. اصولا محصولات دانش‌بنیان، در این مرحله با مشکلات زیادی روبرو خواهند شد؛ زیرا در دانشگاه‌های ما به این مسائل به خوبی پرداخته نمی‌شود و در سطح جامعه نیز نسبت به مسائل مربوط به فروش و بازاریابی و کسب‌درآمد، بعضا دیدگاه‌ها و نظرات خوبی وجود ندارد. برای پانهادن در مسیر دشوار تولید، باید از ابتدا به فکر آماده شدن برای این مرحله باشیم و مدام خود را در جایگاه مخاطب محصول خود قرار دهیم تا بتوانیم محصول خوبی را طراحی و تولید کنیم و در نهایت آنرا به فروش برسانیم.

در این مختصر توضیحات، سعی کردیم مهم‌ترین مراحل شروع تولید یک محصول دانش بنیان و تبدیل آن به یک محصول اشتغال‌آفرین را برای شما شرح دهیم. امیدواریم از همین ابتدای سال، کمربندهای خود را برای ایجاد تغییر در کشور با قدرت ببندیم و همه تلاش خود را برای سربلندی هرچه بیشتر ایران انجام دهیم. روزها خواهند آمد که ایران، سربلندتر از همیشه سرفراز خواهد بود؛ چقدر خوب است که ما نیز در این مسیر سخت، قدمی برداریم و برای خود سهمی اختیار کنیم... با ما همراه باشید در میدان علوم.

« سید علی موسوی  
مهندسی برق دانشگاه شهید بهشتی

## تشکیلات، پسا کرونا

مسئله هجوم آورد «بهترین دفاع، حمله است» و این برای تشکیلات گرفتار کرونا یعنی باید خطرپذیری کرده و در قدم اول با برگزاری دوباره برنامه‌های حضوری به تقویت یا ساخت دوباره صف خود اقدام کند. در قدم بعد هم دوباره ارتباط و جذب و ورود خون تازه به شریان‌های تشکل. پس تا اینجا تشکلی که توانسته باشد این اقدامات را قبل از پساکرونا انجام دهد، در پساکرونا از دیگر تشکل‌ها چندین پله جلوتر است ولی این تمام ماجرا نیست. سازگاری کنش‌ها در حین بحران، تنها برای تشکیلات نبوده و مخاطبین تشکیلات نیز به سمت این سازگاری حرکت کرده و بدون شک در این سازگاری نکات مثبتی وجود دارد که آنها را از موقت به دائمی تغییر حالت داده و حتی اگر تشکیلات به خاطر منفعتی دیگر حاضر به گذشتن از آن باشد، همه مخاطبین حاضر به گذشتن از آن نیستند. یکی از این نکات مثبت، استفاده از پستر مجازی برای برگزاری برنامه‌ها و آموزش‌هاست. پس تشکیلات پساکرونا باید علاوه بر بازسازی و تقویت دوباره صف و ستاد خود، رعایت موازنه‌ای از فعالیت‌های حضوری و مجازی را در نظر داشته باشد تا میزان دستیابی به اهداف آن تشکل افزایش یابد. پس تشکل موفق در پساکرونا آن تشکلی است که توانسته باشد صف و ستاد خود را بازسازی و تقویت کرده و موازنه‌ای از ترکیب فعالیت‌های حضوری و مجازی را در برنامه‌های خود جای دهد.

در مطالبی که گفته شد، سعی شد تشکیلات پساکرونا را با نیم‌نگاهی مدیریتی بررسی کرد؛ نیم‌نگاهی که معتقد است نقصان‌های وضع موجود ما چه در دانشگاه، چه در شهر و چه در کشور همه از سوء مدیریت است و دیگر هیچ. به امید پیشرفت.

پانویس: توضیح swot

SWOT مخفف کلمات Strengths, Weaknesses, Opportunities و Threats به معنی نقاط قوت(عوامل داخلی)، ضعف‌ها(عوامل داخلی)، فرصت‌ها(عوامل خارجی) و تهدیدات(عوامل خارجی) است

« رضا اسدی

جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی  
گرایش مدیریت توسعه پایدار  
روستا

جنبش، هیاهو، مطالبه‌گری، تجمع و غیره و غیره، چه کسی فکرش را می‌کرد روزی از آنها محروم شویم؟ روزی که بدون مجال به ما فرا رسید. روزی که انگار پایانی بر آن نخواهد بود و ما را تا چندین روز شوکه کرد. اما همیشه امیدواران طالب پاسخ بوده و بدان خواهند اندیشید؛ آری، پساکرونا و اما پساکرونا چگونه خواهد بود؟ پساکرونا پدیده‌ایست که برای درک چگونگی آن باید اندکی به عقب و به قبل از کرونا بازگردیم. در آن ایام با توجه به اقتضائات تشکیلات که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ارتباط حضوری با مخاطبین به جهت جذب و ورود ایشان به عنوان خون تازه در شریان‌های تشکیلات است، تقریبا همه برنامه‌ها متمرکز بر شیوه حضوری بود؛ البته غریب بودن شیوه مجازی در این امر بی تأثیر نبوده است. پس از ابتلای جهانی بشر به کرونا، ماجرا متفاوت گشته و تشکیلات دچار چالشی بزرگ شد که محدودیت‌های بسیاری را با خود به ارمغان آورده و هر آنچه که بر سر راه تشکیلات بود، غالباً ضعف بود و تهدید. در مدل تعیین راهبرد SWOT، در مواجهه با چالش‌ها و با توجه به وضع موجود قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، راهبرد مناسب انتخاب می‌شود. در مواقعی مانند شرایط کرونا زده تشکیلات نیز که گفته شد غالباً ضعف و تهدید بود، بهترین راهبرد مواجهه با این چالش و حتی دیگر چالش‌های کلان، تبدیل تهدیدها به فرصت‌هاست یا بنا به عبارتی، گرفتن حالت تدافعی و سعی بر سازگاری موقت کنش‌ها با شرایط وضع موجود. در این شرایط، تشکل‌ها علیرغم اینکه حیاتشان وابسته به فعالیت‌های حضوری بود، ناچاراً و به رسم بقا، باید تغییر موضع داده و به فعالیت‌های مجازی رو بیاورد و حتی اگر از صف اجرایی تشکل محروم شد، از ستاد بازوی فکری و مشاوره‌ای تشکل خود به گونه‌ای استفاده کرد که جای خالی صف احساس نشده یا کمتر حس شود. اما مانند تمام چالش‌هایی که بشر تاکنون پشت سر گذاشته است، چالش کرونا نیز پشت سر گذاشته خواهد شد و به پساکرونا خواهیم رسید. بنابراین در اینجا است که باید گفت حالت تدافعی به معنی دفاع ابدی نیست، بلکه به معنی انتظار برای لحظه‌ای است که بتوان به سمت







صفای نام پاک او، دوای درد بی‌کسی  
هوا و شوق و میل ما، به آستان او، بسی

حسین، قلب عالم است، تپنده و بیات‌وار  
مثال آه عیسوی، به زنده‌ها، حیات‌وار

به پشت درگهش حسین، دلیل حصر من شده  
حسین در زمان من، ولی عصر من شده

ولی در این زمان تار، میان روضه‌های او  
میان این یتیم‌ها، تمام بچه‌های او

درک نمی‌کنم چطور؟ راه حسین گم شده  
راه مَبِیَّن رسول، شروع آن ز خم شده!

در این مسیر و دستگاه، هدف حسین واقعی است؟  
یا که حسین من و تو، همان حسین طالعی است؟

چقدر، من و من شدیم، از این فضا چه ساختیم؟  
چقدر ما به نام تو در این مسیر، باختیم

ز هر زمان و هر مکان در این مسیر مانده‌ای  
مدح و سخترانی و، روضه اگر توخوانده‌ای

بدان حسین ما فقط، خلوص کامل است و بس  
حسین را فروختی به پول اندکی به کس؟!

حسین ماست، ارزشش معادل خون خداست  
اشک بریزان و بریز، مبلغ خدا کجاست؟

نشسته‌ام به درگهش، سکوت مطلق به لب  
غمی درون سینه‌ام، دلیل اشک و آه و تب

نشسته‌ام به درگهش، بلند هم نمی‌شوم  
به طعنه‌ها و وعده‌ها از این مکان نمی‌روم

« علی محمد موزه

اخبار و اعلان های خانه نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

اسناد و آئین نامه ها

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

در سایت سند



آرشیو بروز نشریات

sanad.um.ac.ir

لیست نشریات فعال

ات دانشج

بستور العمل نشریات دانشگاهی

وبی دان

نحوه ثبت آرشیو نشریه

شگاه فردوس

نحوه در خواست مجوز نشریه

ی مش

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

هد